



۲۰۱۵/۰۹/۰۹



استاد حامد نوید

در پاسخ به سخنان اهانت آمیز جنرال احسان الحق مدیر پیشینه اداره (آی. اس. آی) در مورد افغانها و شرح نادرست حقایق تاریخی افغانستان و منطقه

پیشگفتار:

با ابریز تشکر از هموطن آگاه ومیهن دوست جناب احمد فواد ارسلا که متن بیانیه سرایا کذب واهانت آمیز جنرال احسان الحق پاکستانی را به دري برگردانده و ویدیوی اصلی آنرا بزبان انگلیسی به دسترس هموطنان قرار دادند.

از آنجاییکه گفته های بی اساس جنرال احسان الحق بر علاوه اینکه احساسات ملی هرافغان وطن دوست را برمی انگیزد، زنگ خطر است برای تشدید حملات پاکستان به حریم کشور ما وبرانگیختن نفاق در بین هموطنان ، اینجانب وظیفه خود دانستم تا با نوشتن نامه به زبان انگلیسی موقف خود را منجیث یک افغان به پالیسی سازان بین المللی وحکومت پاکستان تا جایکه برای مقدور بود شرح دهم، تا دروغبافیهای جنرال متقاعد آی اس آی بر ملا گردد و برای جوانان وطن دوست افغان که در نشرات انترنیتی و فیس بوک های خود درگیر مباحثه های داغ با جوانان پاکستانی استند پس منظر تاریخی تشکیل کشور تصنعی وفاقد هویت تاریخی بنام پاکستان شرح یابد. بدیهیست که این سخنان برخلاف واقعیت و غیر مسئولانه وی به وقار و حیثیت ملی ما بر میخورد . البته متن انگلیسی به منظوریکه در بالا عرض شد تهیه گردیده واما این نوشته بحضور هموطنان بزرگواری تقدیم میگردد که فارغ از تعلقات قومی، زبانی ، تمایلات سیاسی و منفعت های شخصی به فکر نجات ملت رنج دیده افغانستان از ورطه نابودی، حفظ تمامیت ارضی ، استقلال سیاسی و حاکمیت ملی افغانستان میباشند.

پاسخ:

در پاسخ به اظهارات مملو از استدلالهای ناقص ویکجانبه احسان الحق قوماندان پیشینه اداره (آی. اس. آی) در مورد تاریخ افغانستان باید گفت که خود متعلق به کشوری مولود پالیسی های استعماری دولت وقت برتانیه وزاده وقایع سیاسی پس از خروج برتانیه از نیمقاره هند میباشد و اینگونه صف آرایی های لفظی وی در مقابل سیاستمداران غربی که خود اینکشور تصنعی را ایجاد کرده اند واقعا خنده آور است. یعنی اگر پای عساکر برتانیه به این بخش جهان نمیرسید امروز کشوری بنام پاکستان در میان کشور های قاره آسیا وجود نمیداشت. طوریکه همه میدانیم مملکت پاکستان بعد از ختم جنگ دوم جهانی به اساس تقسیمات مستملکات هند برتانیوی به کشورهای مسلمان نشین و سرزمین هندوان با کشته شدن هزاران نفر بنام مسلمان وهندو و خونریزی ها وفجایع بیشمار در سال (۱۹۴۷) پدید آمد.

دردوره جنگ سرد پاکستان برای کشورهای غربی تنها نقش پایگاهی داشت وبس. زیرا پس از امضای پیمان اتلانتیک شمالی NATO میان انگلستان وایالات متحده امریکا وکشورهای دیگر غربی در سال ۱۹۴۹، در برابر صرف آرایی نظامی ممالک شامل دریپیمان وارسا (کشورهای کمونیستی تحت چتر اتحاد جماهیر شوروی وقت) داشتن پایگاه های نظامی در قاره آسیا برای کشورهای غربی اهمیت داشت.

ازینرو پیمانهای نظامی دیگری برای جلوگیری از پیشروی کمونیسم در قاره آسیا تأسیس گردید که به نامهای سنتو CENTO و سیتو CEATO یاد میشوند. کشورهای پاکستان ، ایران ، عراق و ترکیه شامل دریپیمان سنتو بودند که از طرف پیمان اتلانتیک شمالی حمایت میگردیدند و کشورهای شامل پیمان سیتو CEATO عبارت بودند از ایالات متحده امریکا ، برتانیای ، فرانسه، زیلاند جدید، استرالیا ، فلپین ، تایلند و پاکستان ودرین میان پاکستان یگانه مملکتی بود که نیم آن در غرب هند و نصف دیگر آن هزاران هزار فرسخ دور در شرق هند موقعیت داشت ودر اثر پافشاری دولت برتانیای در نتیجه تقسیمات مستملکات آسیایی آنکشور پدید آمده بود.

یکی از دلایل مهم پافشاری انگلیس ها برای ایجاد پاکستان شرقی و غربی این بود که هم در ساحه متصل به بحر هند و شرق میانه و هم در حوزه جنوب شرق آسیا پایگاهی داشته باشد ، اما از همان بدو تأسیس سه ساحه متنازع الفیه ، یعنی جمو و کشمیر ، میان هند و پاکستان ، مناطق قبایلی «صوبه سرحد» میان افغانستان و پاکستان وبنگله دیش یا پاکستان شرقی در ساختار نخستین اینکشور کاملاً تصنعی وجود داشت که در نتیجه پالیسیهای نادرست انگلیس ها بوجود آمده بود.

د پانو شمیره: له 1 تر 8

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خپر و لولئ



گرچه نظامیان و سیاستمداران پاکستان در بدو تأسیس آن کشور دل بدین خوش میداشتند که با مساعدت هنگفت مالی و نظامی کشورهای مقتدر غربی شامل در پیمان نظامی ناتو بر ساحه وسیعی حکم خواهند راند، اما شاید آقای احسان الحق به یاد داشته باشد که مهلک ترین ضربه بر پیکر این کشور تصنیعی قیام های آزادی خواهانه مردم بنگال در "پاکستان شرقی" بود که در نتیجه آن کشور آزاد و مستقلی بنام **بنگله دیش** تحت رهبری مجیب الرحمن در سال ۱۹۷۱ ظهور نمود. نظامیان ورهبران سیاسی پاکستان میدانستند که پس از آزادی بنگله دیش تسلط شانرا بر ساحه متنازع الفیه کشمیر و متعاقباً در مناطق قبایل آزاد صوبه سرحد از دست خواهند داد. در دهه هفتاد با نیرومند شدن روز افزون هند هنگامیکه پاکستان در منجلا ب سیاسی و اقتصادی دست و پامیزد و گاه خود را به دامن غرب و زمانی به دامن جمهوری چین کمونیست می انداخت، کودتای ۷ ثور سال ۱۳۵۷ که حمله نظامی دولت کمونیستی روسیه شوروی را به خاک افغانستان در دسامبر ۱۹۷۹ در پی داشت رخ داد و باعث سر از برداشتن کمکهای بیدریغ کشورهای عضو ناتو و عربستان سعودی به دولت پاکستان گردید. متأسفانه در دهه هشتاد با خونیهایی عظیم ملت افغانستان در برابر تهاجم روسیه شوروی که بهترین و شجاع ترین افراد این ملت در راه آزادی و حفظ استقلال وطن شهید شدند اداره (بین خدماتی مخابرات) پاکستان یا (آی. اس. آی) جان تازه گرفت و با بودجه وسیعی در هر م قدرت پاکستان جایگاه پراهمیت تری نسبت به گذشته پیدا کرد. بدیهیست که جماعت اسلامی پاکستان در همکاری با اداره (آی. اس. آی) دارای نقش کلیدی درین رابطه بود.

پس از خروج قوای شوروی از خاک افغانستان در سال ۱۹۸۹ که با قربانی عظیم این ملت غیور قشون سرخ با همه شهرت افسانوی خود به شکست مواجه شد، برخلاف توقع علاقمندی کشورهای غربی و در رأس آن اضلاع متحده امریکا به مسأله افغانستان، کاهش یافت؛ چون به منظور و غایه ای که در آن مقطع زمانی مطرح بود رسیده بودند و دیگر مسأله افغانستان و مشکلات بزرگ مردم رنج دیده آن در دوره دشوار پس از جنگ برای غرب اهمیتی نداشت. ازین رو دولت پاکستان و اداره (آی. اس. آی) با ثروت عظیمیکه در زمان جنگ افغانها علیه قوای متجاوز شوروی اندوخته بودند، خود را یگانه مالک الرقاب مدیریت آینده سیاسی افغانستان پنداشتند، اما از آنجاییکه یکتعداد از تنظیم های مقاومت افغانها در ایران نیز مستقر بود پاکستانی ها با ایرانی ها در تقسیم دایره نفوذ خود در افغانستان پس از جنگ و دولت آینده آن به چانه زنی های سیاسی آغاز کردند. در آغاز دهه نود مذاکرات تهران و اسلام آباد و توافقا تیکه میان صاحب زاده یعقوب خان وزیر خارجه پاکستان و علی اکبر ولایتی وزیر خارجه ایران قبل از تشکیل شورای راولپندی صورت گرفت سر آغاز مداخلات آشکارا این دو همسایه در امور داخلی افغانستان بشمار میرود. در سالهای بین ۱۹۹۰

د پانوی شمیره: له 2 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

و ۱۹۹۲ عربها نیز که درجهاد افغانستان پول های هنگفتی را به پاکستان و سران تنظیم های جهادی پرداخته بودند ، توقع داشتند که در افغانستان پس از جنگ سهمی داشته و در مقابل نفوذ سیاسی ایران صف آریی نماید.

در طی همین دو سال بود که جوانان تروریست و ماجرا جوی خلیج ، متشکل از اعراب مربوط به احزاب تندرو و حتی سومالیایی های انقلابی با ویژه قانونی داخل پاکستان میشدند و با هدایت اداره (آی.اس.آی) بنام امت مسلمة در پشاور تجهیز میگرددند و از آنجا دسته دسته و گروه گروه به منطقه (غیر) به زعم پاکستانی ها یا منطقه قبایل آزاد (No Man's Land) به اصطلاح انگلیس ها فرستاده میشدند و سپس به کنر ، نورستان ، جلال آباد و پکتیا سوق می یافتند. این ساحه که از شمال پشاور تا مردان ، خیبر ، سوات و وزیرستان را دربرمیگرفت در نزد پاکستانی ها بنام منطقه غیر یاد میشد، زیرا دولت پاکستان بالای آن اقتدار واقعی نداشت. انگلیس ها این نیز بالای این منطقه تسلط کامل نداشتند. ازینرو اصطلاح «سرحدات شمالغربی» بران اطلاق میشد و حتی بعد از قرارداد جنجال برانگیزیکه میان امیر عبدالرحمن خان ، و مورتمیر دیورند در سال ۱۸۹۳ برای تعیین ساحه نفوذ انگلیس ها و افغانستان برای مدت ۹۹ سال به امضا رسید، این ساحه بنام منطقه قبایلی «صوبه سرحد» یا «شمال مغربی سرحدی صوبه» در زبان اردو یاد میگردد.

هدف دولت پاکستان و نظامیان آن با مستقر ساختن احزاب تندرو تحت پوشش دین مقدس اسلام این بود تا حضور خود را با استفاده از طریقه های منفی و منحط دهشت افگنی در ساحه صوبه سرحد، و بر علاوه در ولایات شرقی و جنوبی افغانستان تأمین نمایند. در همین آوان بود که گروه حقانی با پول و سلاح مجهز با پشتیبانی مستقیم آی.اس.آی در برخی نواحی ولایت پکتیا استقرار یافت و گروه های تندرو عربهای و هابی به کنر ، نورستان سوق داده شدند. جنایاتی که این گروه های دهشت افکن در فارم غازی آباد، ولسوالی لعل پور و تورخم در برابر اهالی بیدفاع ولایت ننگرهار، بخصوص در برابر عساکر تسلیمی نمودند آنقدر نامردانه و فجیع است ، که آقای احسان الحق منحیت یک مامور ارشد سازمان جاسوسی (آی.اس.آی) به جزئیات این پلانگزارای های دهشت افگنی از همه بیشتر آشناست و اگر در صورت جاهل مینماید میتواند به راپورهای سال ۱۹۹۰ و ۱۹۹۱ سازمان عفو بین المللی و مقالات مستند احمد رشید نویسنده ای که خود از پاکستان است مراجعه نماید . در همین آوان بود که سران القاعده با آگاهی کامل دولت پاکستان و پول و افر و همکاری مستقیم اداره (آی. اس. آی) به منظور تأسیس پایگاه های دهشت افگنی در افغانستان وارد پاکستان شدند ، و متعاقباً گروه های مسلح تندرو عرب از راه اعظم و رسک به ولایات پکتیکا، غزنه و زابل ؛ و از طریق کوئته به قندهار و هیلمند تحت نظر و اداره مستقیم مامورین (آی.اس.آی) هدایت یافتند. این اقدام پاکستان مبنی بر دوکتورین ضیا الحق برای ایجاد (اسلامستان) بزرگ بود تا به اساس آن منافع خود را در آسیای مرکزی تأمین نماید که به نوع دیگری ملهم از سیاست پیشروی برتانیای قرن نهم (فارود پالیسی) بود ، اما تحت پوشش دین مقدس اسلام به مرحله اجرا قرار میگرفت. درین هنگام جمهوری اسلامی ایران که با دولت روسیه روابط نزدیک داشت با اهداف مشخص سیاسی به مداخلات سودجویانه خویش تحت شعار های عوام فریبانه «اسلام مرز را نمی شناسد» و «دفاع از مستضعین افغانستان» به امتیازگیری های سیاسی و اقتصادی در افغانستان جنگ زده که شیرازه های اجتماعی و اقتصادی آن سخت صدمه دیده بود آغاز کرد. در مورد پایگاه سازی قدرت های بزرگ شامل در پیمان ناتو در میهن ما و رقابت های متقابل سیاسی، استراتژیژیک ، و اقتصادی روسیه ، چین و هند، باید بررسی دیگری صورت گیرد که درین مختصر نمیگنجد. زیرا درین نوشته تأکید بالای ادعاهای فتنه انگیز و معلومات تاریخی نادرست جنرال متقاعد (آی. اس. آی) در مورد تاریخ افغانستان و کتمان جنایات پاکستان علیه مردم بی دفاع کشور ماست و نکته جالب درینجاست که جنرال متقاعد پاکستانی مقدمه صحبت خود را با نام شیطان و شناخت او آغاز میکند. لطفاً به این جملات وی توجه نمایید:

"من میخواهم از آن نقطه شروع نمایم که شما در نطق خود اظهار داشتند که شما میخواهید با شیطان صحبت نمائید. بدبختانه بعضی اوقات این مشکل است که تصمیم گرفته شود که شیطان کیست. ایرانی ها امریکائی ها را شیطان بزرگ می نامند، و امریکائی ها آنها را مثلث شیطانی خطاب میکنند." (برگفته شده از ترجمه آقای فوادرسلا منتشره پورتال افغان جرمن آنلاین)

در حالیکه جنرال پاکستانی منحیت یک مسلمان میدانند شیطان کسیست که با خدعه و فریبکاری راست را دروغ و دروغ را راست جلوه میدهد با شیطان صفتی میکوشد تا روابط نزدیک حکومت پاکستان را با گروه های دهشت افکن کتمان نماید، اما از آنجاییکه گفته اند دروغ گو حافظه ندارد خود بر موجودیت آنها در خاک پاکستان در ضمن صحبت در مورد خط دیورند اعتراف میکند: "ما آن سرحد را منحیت یک سرحد قبول داریم. پاکستان آنرا منحیت یک سرحد قبول دارد. و این عزم پایدار و مصمم ما بوده است که به این سرحد ثبات را بیاوریم. پس اگر این سرحد نیست بگذار همه از آن عبور کنند، بگذار همه از آن عبور کنند ، هیچ فرقی نمیکند اگر القاعده است یا طالبان است یا بیت الله محسود است ، بگذار همه عبور کنند!"

(برگفته شده از ترجمه آقای فوادرسلا منتشره پورتال افغان جرمن آنلاین)

متأسفانه کسی درین مجلس نبود تا از وی بپرسد چرا بجای صحبت بالای "خط دیورند" که پس از گذشت ۹۹ سال دیگر اعتبار قانونی ندارد و در طول ۶۶ سال عمر کشور بی پیشینه تاریخی تان قادر به اداره آن نبوده اید، با چه دلیلی به مسدود کردن پایگاه های دهشت افگنی و مدارسیکه عقاید غیر انسانی و مغایر ارشادات دین مبین اسلام یعنی **انتحار** و **قتل نفس** را اشاعه میدارد اقدام نمیکند؟ آیا پیدا شدن مخفیگاه «اسامه بن لادن» رهبر شبکه تروریستی القاعده از شهر «آبیت آباد» در چند کیلومتری اکادمی نظامی کاکول مبین این حقیقت انکار نا پذیر نیست که دولت پاکستان تا چه سرحدی در مخفی نگهداشتن رهبر القاعده دست داشته و

د پانو شمیره: له 3 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالې د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

اکنون هم دست از حمایت گروه های طالبان چینی، عرب پاکستانی و افغان، گروه حقانی، لشکر طیبه و دسته های تروریستی دیگر مانند داعش نکشیده است؟
اما با آنهم احسان الحق جنرال پاکستانی مزبوحانه تلاش مینماید تا خلاف ورزی های حکومت پاکستان را با گره دادن به مسأله خط دیورند جلوه دیگردهد:

"تا وقتی که انگلیس ها در اینطرف سرحد بودند شما قبول داشتید و حالا که ما برادران مسلمان شما آمدیم شما این را به حیث سرحد نمی شناسید؟ این تقسیم برعکس آن خواهد بود، هیچ قسمت از خاک پاکستان به افغانستان تعلق نخواهد گرفت، نیم افغانستان به ما تعلق خواهد گرفت. شاید هم زیاده تر از نصف افغانستان، فکر میکنم که ۶۰ فیصد آن بخاطری که ۶۰ فیصد افغانستان پشتون ها هستند. آنها بازنده خواهند بود. باید صادقانه بگویم که افغانستان تا کابل داخل حدود پاکستان قرار نمیگیرد نه بر اساس تاریخ، نه بر اساس هیچ معیار قبول شده. آنها بازنده خواهند بود. بخاطری که حتی اگر به تاریخ نگاه کنید برای مدت طولانی از دهلی بر افغانستان حکمرانی میشد. ویا از اصفهان وایران بر افغانستان حکمرانی میشد، ویا از بخارا و سمرقند و تاشکند و آسیای مرکزی بر افغانستان حکمرانی میشد." (برگفته شده از ترجمه آقای فوادرسلا منتشره پورتال افغان جرمن آنلاین)
باید درین رابطه اظهار داشت، صرف نظر از اینکه روزی خط دیورند منحنی یک سرحد سیاسی میان دوکشور رد و یا به امکان بعید پذیرفته شود، در هر دو صورت حکومت پاکستان قادر به کنترل آن نخواهد بود. زیرا همین اکنون ناآرامی های زیادی در امتداد خط دیورند که پاکستانی ها مدعی گرفتن وراثت آن از دولت استعماری برتانیای قرن نوزدهم میباشند وجود دارد. مقاومت های شدید مسلحانه دروزیرستان شمالی و همچنان در بلوچستان در مقابل حکومت مرکزی پاکستان که اکثراً پنجابی ها هستند گواه این امر است که هنوز مردمان این مناطق انقیاد حکومت مرکزی پاکستان را بطور کامل نپذیرفته اند. بطور مثال تلفات عساکر پاکستانی تنها دروزیرستان شمالی در طی سالهای اخیر به بیش از ۴۳۰۰ نفر کشته و اضافه از ۱۴۵۰۰ نفر زخمی میرسد. برعلاوه کشته شدن صدها تن افراد ملکی در اثر بمبارانهای هوایی پاکستان در وزیرستان شمالی بیش از نیم میلیون نفر مجبور به مهاجرت از این ناحیه ناآرام گردیده اند. همچنان در بلوچستان هنوز ناآرامی های شدید پس از شورش سالهای ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ که پنج هزار بلوچ مسلح بر عساکر پاکستانی در زمان زمامداری پرویز مشرف حمله بردند هنوز موجود است و حس آزادیخواهی و استقلال طلبی در میان بلوچها بخصوص پس از کشته شدن اکبرخان بگتی رهبر اقوام بلوچ روزبه روز بیشتر میگردد. در حالیکه مناقشات سرحدی میان هند و پاکستان در ناحیه کشمیر روبه افزایش است و پس از برخورد های مسلحانه اکتوبر سال ۲۰۱۴ میلادی تشدید بیشتریافته، آیا آقای احسان الحق با چه تضمینی در مورد آوردن ثبات و تأمین امنیت در دوطرف خط دیورند صحبت میکند؟

بدیهیست که این صحبت سطحی نگرانه وی بجز بهانه جویی برای موجه نشان دادن موقف نادرست حکومت پاکستان در رابطه به سوق دادن گروه های مختلف دهشت افکن به خاک افغانستان چیز دیگری نیست. برعلاوه جنرال متقاعد پاکستانی باید بداند که دیگر نمیتواند با توجیها بی اساس حمایت مستقیم اداره (آی. اس. آی) را در تجهیز و تمویل گروه تروریستی لشکر طیبه در نقاط مرزی کشمیرانکارورزد. امروز اسم پاکستان در رأس حکومت حامی تروریسم مانند، سوریه، ایران، سودان و سومالی ثبت است و اسناد غیر قابل انکاری درین رابطه وجود دارد که در پاورقی ارائه میگردد¹.

¹ Nelson, Dean (8 July 2009). "[Pakistani president Asif Zardari admits creating terrorist groups](#)", *The Daily Telegraph* (London) July 2009

Dean Nelson in New Delhi "[Nicolas Sarkozy launches attack on Pakistan over terrorist safe havens](#), *The Telegraph* (7 December 2010).

["Lashkar-e-Taiba \(Army of the Pure\), – Council on Foreign Relations"](#), 28 May 2012

Rory McCarthy. "[Pakistan's ISI playing dangerous game](#)", *the Guardian*, [Rory McCarthy](#) in Islamabad, Friday 24 May 2002

["Terrorist Sponsors: Saudi Arabia, Pakistan, China"](#). *Cato Institute*.

By [Ted Galen Carpenter](#).

November 16, 2001

د پانوی شمیره: له 4 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
پادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

زمانی بزرگان ما میگفتند که خداوند انسان را از شر شیطان رانده شده و همسایه شرور نجات دهد و امروز با بهای گوشت ، پوست و استخوان مردم بی دفاع خود درک میکنیم که وطن آبیایی ما در چنگال چه قدرتهای اهریمنی و چه همسایگان شروری گیر افتاده است. درین رابطه متوجه میشویم که جنرال پاکستانی با چه کلمات فتنه انگیزی ادعای پشتیبانی از پشتونها و اکثریت بودن آنها را بخاطر تحریک نمودن احساسات اقوام دیگر افغانستان بیان میدارد، در حالیکه درین چند دهه اخیر بیشترین حملات نظامیان پاکستان و گروه های دهشت افگن تحت ادراه (آی.اس.آی) در مناطق پشتون نشین انجام یافته است. اصلاً برای نظامیان پاکستان مطرح نیست که در جریان تطبیق پلانهای توسعه طلبانه شان چه کسی از کدام قوم و قبیله کشور ما بخاک و خون مینشینند و جگر پاره های خود را از دست میدهد. برای دهشت افگان تربیه یافته دست (آی.اس.آی) چه طالبی از قوم پشتون باشد و چه دهشت افگنی از مردم عرب ، پنجابی ویا چچینی هیچ فرق نمیکند که به کدام قوم، شهر و قصبه افغانستان صدمات جانی و مالی میرسانند. زیرا مراد شان کشتن مردم بیدفاع میهن ما و بصورت کل تضعیف افغانستان میباشد و بس. امروز شواهدی زیادی در دست است که گروه های اجبرو دهشت افگن ، گاه از پاکستان پول و سلاح میگیرند و گاه از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران برای پیشبرد منافع سیاسی و اقتصادی آنکشور تمویل، تقویه و تجهیز میگردند. بدیهیست که دامن زدن به اختلافات قومی، مذهبی و زبانی درین مقطع خاص زمانی به نفع بیگانگان و تضعیف شیرازه ملی افغانستان و به مخاطره انداختن سیر طبیعی زندگانی مردم ماست. آنانیکه با نیش قلم اقوام محروم و رنج کشیده کشور را در برابر یکدیگر تحریک میکنند و پیکرخونین این ملت را بیشتر جریحه دار میسازند، به درجه دهشت افگنی تنزل مینمایند که با نوک برچه و میله تفنگ پیکر انسانی را از هم میدرد. اگر اوضاع فکری ما چنین مشتط نمیبود ، امروز یک جنرال متقاعد پاکستانی جرأت نمیکرد تا در مورد کشور ما با چنین لحنی غرابه کند.

احسان الحق منحیث یک پاکستانی برای تأمین منافع کشور خود در حالیکه پاکستان خود تاریخی ندارد برای خوشنودی جمهوری اسلامی ایران و ممالک آسیای مرکزی به تحریف تاریخ افغانستان میپردازد. در حالیکه نمیتوان توقع دیگری از یک جنرال (آی.اس.آی) داشت باید گفت که حوزه سند و پنجاب در درازای تاریخ معبری بوده میان سرزمین های آریانا و هند که در ازمنه باستان سلسله شاهان مقتدر هند چون موریایی ها (۳۲۳ تا ۱۵۸ ق.م) و گوپتاها (۳۲۰ تا ۵۵۰ میلادی) و سلاطین مقتدری برخاسته از جغرافیای فعلی افغانستان مانند شاهان ساکه سیستان و هیلمند (آراکوزیا) قرن اول ق.م ، کوشان شاهان کابل و کاپیسا از قرن اول تا پنجم میلادی، شاهان یفتلی بدخشان و زابل از قرن پنجم تا ششم میلادی، و کابل شاهان از قرن هفتم تا دهم میلادی بر آن حکومت کرده اند. از همینرو پنجابیان مناطق شمال تاکسیلا را تا کنون بنام گنده هارا که برگرفته شده از نام باستانی قندهار است یاد میکنند و هنر فر هیخته پیش از اسلام آن نیز که از جنوب کابل تا سوات، مردان و پشاور را در بر میگرفت بنام « مکتب هنری گنده

FBI identifies terror camp in Pakistan through satellite pictures.

Tuesday August 1 2006

["Pakistan said to play both sides on terror war", The Christian Science Monitor.](#)

By Mark Sappenfield, [Staff writer of](#) October 2, 2006

US Admiral: 'Haqqani is veritable arm of Pakistan's ISI', September 22 2011, BBC News

د پانوی شمیره: له 5 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ

هرا» مشهور است.² مهمترین سند دست اول تاریخی درزمینه کتیبه رباطک ولایت بغلان است که در آن، کانیشکا امپراتور مقتدر آریانا یا افغانستان امروزام تمام مستملکات خود را در حوزة سند و پنجاب و شمال نیمقاره هند ثبت نموده است. بهمین ترتیب شاهان یفتلی برخاسته از تخار و بدخشان که مقر شان در زابل بود بر علاوه تسخیر حوزة سند، بر فارس نیز حکومت نمودند. (مراجعة به شرح شکست فیروز اول پادشاه ساسانی بدست اخشنوار شاه یفتلی در سال ۴۸۰ میلادی. کریستین سن، آرتور. ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی. چاپ پنجم. تهران: انتشارات امیرکبیر ۱۳۶۷). واضح است که جنرال پاکستانی با طوطنه جویی ها و مصروفیت های که برای انسجام بخشیدن اعمال دهشت افگنی دارد از این واقعیت های تاریخی مطلع نیست.

بهمین ترتیب در ادوار اسلامی از قرن یازدهم تا قرن هفدهم میلادی ساحه کشور نو تأسیس پاکستان امروزی جزء قلمرو سلسله شاهان مستقر در محدوده افغانستان کنونی مانند، سلاطین غزنوی، شاهان غوری، فرمانروایان سوری و لودیان بود، و اگر این سلسله شاهان برای مدت بیش از ۶۰۰ سال بروادی سند و پنجاب حکومت نمی کردند و در گسترش دین اسلام سعی به عمل نمی آوردند، امروز پاکستانی ها به دین اسلام مشرف نمی بودند. درست است که پس از مستقر شدن ظهیرالدین بابر در کابل سال ۱۵۰۴ میلادی مقر زمامداری وی از ماوراالنهر به کابل انتقال یافت، اما چنانچه در تزک بابر ی ذکر یافته بابر عاشق کابل بود و به فرهنگ فرهیخته کابل، غزنه و قندهار علاقه فراوانی داشت. چنانچه مهمترین کتیبه ای که شرح فتوحات و جهان گشایی های وی را مینماید در چهل زینه قندهار تا هنوز موجود است. پس از شکست ابراهیم لودی در جنگ اول پانی پت ظهیرالدین بابر در سال ۱۵۲۶ میلادی اساس سلطنت تیموریان هند یا دولت مغلی هند را گذاشت و درینوقت فرهنگ خراسان آنوقت یا افغانستان امروز به شمال نیمقاره هند انتقال بیشتر یافت. پس از فتح دهلی علاقه بابر به کابل کماکان پا برجا ماند چنانچه پس از مرگش جسدش بنا به توصیه وی و به اجازه شیرشاه سوری که در آنوقت بر هند حکومت داشت به همسرش بی بی مبارکه سپرده شد تا در باغ بابر در شهر کابل دفن گردد. پس از مرگ بابر پسرش همایون با قیام شیرشاه سوری از قدرت برکنار شد و نزد شاهان صفوی فارس پناه برد. همایون بعد از مدت ده سال با کمک نظامی صفوی ها پس از مرگ شیرشاه سوری دوباره به تخت دهلی رسید و درازای آن قند هار را به آنها واگذار کرد. وقتی جنرال پاکستانی میگوید افغانستان از اصفهان، دهلی و ماورالنهر اداره میگردد، هدفش از این واقعات تاریخیست، اما حسان الحق با زرنگی ای که دارد واقعات مابعدی را به لب نمی آورد و نمیگوید که مقاومت های شدیدی در سراسر جغرافیای افغانستان از بلخ و هرات تا سوات و خیبر در برابر صفویان و شاهان مغلی هند وجود داشت تا اینکه نمایندگان اکثر اقوام



2

ian". Encyclopædia Iranica, Columbia University

Rafi U. Samad, *The Grandeur of Gandhara: The Ancient Buddhist Civilization of the Swat, Peshawar, Kabul and Indus Valleys*. Algora Publishing, 2011, p. 32

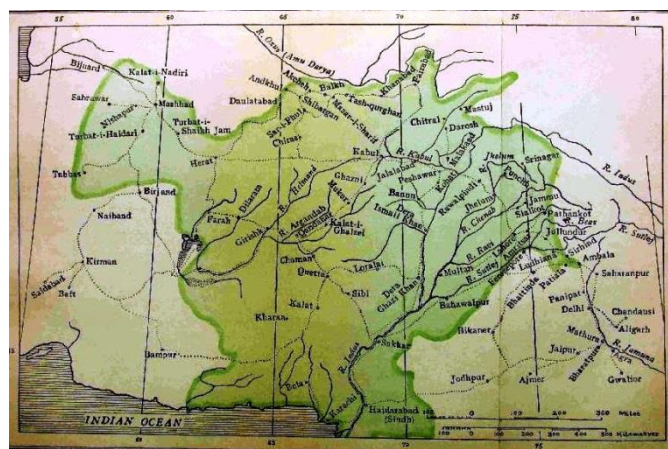
The Shahis of Afghanistan and the Punjab, 1973, Dr Deena Bandhu Pandey

Runion, Meredith L. (2007). *The history of Afghanistan*

د پانیو شمیره: له 6 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په ځیر و لولئ

افغانستان در باغ کوکران قندهارگرد آمدند و به قیادت میرویس خان هوتک ، با کشتن جورج یازدهم مشهور به گرگین ، قوای شاه حسین صفوی را در سال ۱۰۸۹ هجری شمسی از خاک افغانستان بیرون راندند. جورج یازدهم شهزاده کارتیلی در جورجیا بود که به پاپ روم ملقب به پاپ معصوم سوگند یاد کرده بود تا بخاطر پیشروی های دولت عثمانی در قلب اروپا در مقابل مسلمانان برزمد. پاپ بنیدیت معصوم یازدهم که با شاهان صفوی فارس روابط نزدیک داشت جورج کارتیلی را به شاه حسین صفوی معرفی کرد و شهزاده مسیحی کارتیلی به کمک مالی تزار روس و حمایت نظامی صفویان بنام شهناز خان ملقب به گرگین به حیث وایسرای قندهار مقرر شد تا شورش افغانان را سرکوب کند.³ اکثر مؤرخین ، بخصوص تاریخنگاران ایرانی این راز را مکتوم نگه داشته اند تا نزدیکی شاهان صفوی فارس با واتیکان افشا نگردد. به هر حال گرگین بدست یونس خان کاکر در قندهار کشته شد و شاه محمود هوتک که در ایران بنام «محمود افغان» مشهور است با فتح اصفهان سلسله صفویان را در سال ۱۷۲۵ سقوط داد. متعاقباً شاه اشرف هوتکی تمام سرزمین فارس را تا مرزهای ترکیه عثمانی مسخر نمود و از همان دوره به بعد حساسیت های زیادی در مقابل کلمه افغان در ایران آغاز شد. واضح است که چرا جنرال پاکستانی از امپراتوری وسیع درانی که در سال ۱۷۴۷ تأسیس شد و پس از جنگ سوم پانی پت از دهلی تا نزدیکی های تهران وسعت داشت سخنی بزبان نمی آورد زیرا چنانچه از سخنانش پیداست عین حساسیت در مقابل کلمه افغان در نزد وی نیز موجود میباشد.



نقشه افغانستان در سال ۱۷۷۲ میلادی

پاکستان بخصوص از سال ۱۹۹۲ به اینطرف از طریق جنگهای نیابتی و وسایل منحنی و غیر انسانی دهشت افگنی به جنگ اعلان نشده وارد نبردهای مزورانه در افغانستان گردیده ، اما به گواهی تاریخ با جرأت میتوان اظهار کرد که اگر پای عساکر پاکستانی و یا هرکشور دیگری وارد حریم افغانستان شود تمام اقدار و اقوام افغانستان در برابر دشمنان خارجی بسیج خواهند شد؛ چنانچه در مقابل قوای عظیم برتانیای در قرن نوزدهم متحد گردیدند و عین روحیه در دهه هشتاد در برابر تجاوز روسیه شوروی باعث قیام سرتاسری ملت افغانستان و در نتیجه شکست قشون سرخ و اضمحلال اتحاد جماهیر شوروی وقت گردید.

با وصف مشکلات موجود در خلای رهبری سالم ، وحدت ملی در افغانستان یک پروسه تاریخیست نه یک پروسه میخانیکی و تصنعی ، که با تبلیغات عده محدودی خدشه دار شود. حکومت پاکستان با مشکلات شدید اقتصادی با نفوس ۱۸۹ میلیونی آن که در فقر و بیکاری دست و پا میزند مشکلات بزرگی دارد ، ازینرو ناگزیر است برای جلب کمکهای نظامی به ایجاد تشنج به هروسيله ايکه ممکن باشد دست بزند، زیرا نظامیان پاکستان از خطر تجزیه مملکت تصنعی خویش سخت اندیشه دارند. دوران جنگ سرد به پایان رسیده و پاکستان اهمیت پایگاهی خود را به تدریج از دست میدهد. ازین لحاظ بقای خود را در تضعیف افغانستان جستجو مینماید. بهمین ترتیب دولت جمهوری اسلامی ایران نیز پلانهای مشخص اقتصادی و سیاسی در افغانستان دارد و با تشدید اختلافات ، زبانی و مذهبی در وطن ما در پی تأمین منافع خویش است. البته در این جهان منفعت جو هرکشوری در پی سود و پیشبرد منافع ملی خود میباشد و درین گرداب منفعت جوی ها پاسداری از نوامیس وطن و منافع کشور به وجدان ملی هر افغان

³ *The Cambridge History of Iran: Volume 6, the Timurid and Safavid Periods*, Reissue edition (1986), Cambridge University Press, page 315

د پانو شمیره: له 7 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

ارتباط دارد تا یا جانب منافع علیای افغانستان و حفظ حیثیت ، رفاه و آرامی و پنداران خویش را گیرد و یا خواسته و نا خواسته وسیله تأمین منافع دیگران در میهن خود گردد. برای اینکه سخن به درازا نکشد به این دو بیت از اشعریکه برای اوضاع وطن سروده بودم اکتفا میکنم:

اگر ناخلف پور این آستان

نمیبود همدست با دشمنان

نمیشد چنین روز روشن سیاه

نمیگشت ملت بدینسان تباه

به امید رفاه و سروری همیشگی مردم عزیز افغانستان

حامد نوید

د پانو شمیره: له 8 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ